



تاریخ و سیره

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام
از امامت تا شهادت

محمد رضا هدایت پناه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۴۰۳

هدایت‌پناه، محمدرضا، ۱۳۴۵ -
امام حسن مجتبی (علیه السلام) از امامت تا شهادت / محمدرضا هدایت‌پناه. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۳.
ده، ۳۲۱ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۴۳؛ تاریخ اسلام: ۱۵۴)
ISBN: 978-600-298-539-2
بها: ۲۶۵۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
بالای عنوان: تاریخ و سیره.
کتابنامه: ص. [۲۹۹]-۳۲۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر: تاریخ و سیره.
۱. حسن بن علی (علیه السلام)، امام دوم، ۳-۵۰ق. ۲. Hasan ibn Ali, Imam II, 624-670.
۳. حسن بن علی (علیه السلام)، امام دوم، ۳-۵۰ق -- سیاست. ۴. Hasan ibn Ali, Imam II, 624 - 670 -- Politics.
۵. حسن بن علی (علیه السلام)، امام دوم، ۳-۵۰ق -- سرگذشتنامه. ۶. Hasan ibn Ali, Imam II, 624 - 670 -- Biography.
۷. اسلام -- تاریخ -- از آغاز تا ۵۰ق. ۸. To 671 -- History -- Islam. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
BP۴۰
۲۹۷/۹۵۲
شماره کتابشناسی ملی
۹۸۴۸۰۴۲



امام حسن مجتبی (علیه السلام)؛ از امامت تا شهادت

مؤلف: محمدرضا هدایت‌پناه

ویراستار: محمدرضا محسنی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۳

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۲۶۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۳۹-۲

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰
(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir
فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir
مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۴۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته تاریخ اهل بیت (علیهم السلام) و تاریخ تشیع در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا و نیز دیگر علاقه مندان به مطالعات تاریخ اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) تهیه شده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می داند از مؤلف محترم اثر، جناب حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا هدایت پناه و نیز از ارزیاب گرامی جناب آقای حسین الله اکبری سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

۱ پیشگفتار..... ۱

فصل اول: امامت و خلافت (۴۰-۴۱ق)

۳ ۱-۱ دلایل امامت..... ۳
۳ ۱-۱-۱ نص و وصایت..... ۳
۴ ۱-۱-۱-۱ امامت امام مجتبی (علیه السلام) در منابع شیعه..... ۴
۶ ۱-۱-۱-۱-۱ روایات کلینی در باب نص بر خلافت امام حسن (علیه السلام)..... ۶
۷ ۱-۱-۱-۱-۲ گفتار طبرسی درباره وصایت امام حسن (علیه السلام)..... ۷
۸ ۱-۱-۱-۱-۳ موضوع وصایت در کلام امام حسن (علیه السلام)..... ۸
۱۰ ۱-۱-۱-۲ وصایت امام حسن (علیه السلام) از منظر شیعیان..... ۱۰
۱۴ ۱-۱-۱-۳ وصایت امام حسن (علیه السلام) از منظر اهل سنت و خاورپژوهان..... ۱۴
۱۶ ۱-۱-۲ معجزات امام..... ۱۶
۱۸ ۱-۱-۳ باب امام حسن (علیه السلام)..... ۱۸
۲۰ ۱-۲ خلافت و اقدامات امام (علیه السلام)..... ۲۰
۲۰ ۱-۲-۱ بیعت و زمان آن..... ۲۰
۲۱ ۱-۲-۲ تعداد بیعت کنندگان..... ۲۱
۲۱ ۱-۲-۳ شروط بیعت..... ۲۱
۲۵ ۱-۲-۴ اوضاع عراق..... ۲۵
۲۷ ۱-۲-۵ اقدامات امام..... ۲۷
۲۸ ۱-۲-۵-۱ جاسوسان معاویه و اعدام آنان..... ۲۸
۲۹ ۱-۲-۵-۲ دعوت امام از معاویه و عکس العمل معاویه..... ۲۹
۲۹ ۱-۲-۵-۳ نامه‌ها..... ۲۹

- ۳-۱. اعلام جهاد و مقدمات جنگ..... ۳۳
- ۱-۳-۱. تَعَلُّل در جنگ یا پیش‌دستی در جنگ؛ کدام به صلاح؟..... ۳۴
- ۱-۳-۲. اعلام جهاد..... ۳۶
- ۱-۳-۳. جبهه امام حسن (علیه السلام)..... ۴۰
- ۱-۳-۳-۱. تعداد نیروها..... ۴۰
- ۱-۳-۳-۲. فرماندهی نیروهای عراق..... ۴۴
- ۱-۳-۳-۳. موقعیت اردوگاه عراق و شام..... ۴۹
- ۱-۳-۳-۳-۱. منازل مسیر امام حسن (علیه السلام) از کوفه تا مدائن..... ۴۹
- ۱-۳-۳-۳-۱-۱. نُخَيْلَه..... ۴۹
- ۱-۳-۳-۳-۱-۲. پل کوفه..... ۵۰
- ۱-۳-۳-۳-۱-۳. دیر عبدالرحمن..... ۵۰
- ۱-۳-۳-۳-۱-۴. دیر ابوموسی..... ۵۰
- ۱-۳-۳-۳-۱-۵. حمام عمر..... ۵۱
- ۱-۳-۳-۳-۱-۶. دیر کعب..... ۵۲
- ۱-۳-۳-۳-۱-۷. بکر..... ۵۳
- ۱-۳-۳-۳-۱-۸. مُظَلِّم سَابَاط مدائن..... ۵۳
- ۱-۳-۳-۳-۲. حرکت عبیدالله به سوی مَسْکِن..... ۵۵
- ۱-۳-۳-۳-۱-۱. شَيْتُور..... ۵۵
- ۱-۳-۳-۳-۱-۲. شاهی..... ۵۵
- ۱-۳-۳-۳-۱-۳. فُلُوجَه..... ۵۶
- ۱-۳-۳-۳-۱-۴. أُخْتُوَيْتَه (در مَسْکِن)..... ۵۶
- ۱-۳-۳-۳-۱-۵. بررسی علل اعزام پیشاهنگ..... ۵۸
- ۱-۳-۴. جبهه معاویه و مسیر سپاه شام..... ۶۱
- ۱-۴-۳-۱. شام تا مَنبِج..... ۶۱
- ۱-۴-۳-۲. مَنبِج تا الأَنْبَار..... ۶۲
- ۱-۳-۵. حوادث «مظلم ساباط» مدائن..... ۶۴
- ۱-۵-۳-۱. خطبه ساباط و دگرگون اوضاع؟!..... ۶۵
- ۱-۵-۳-۱-۱. تاملاتی در باره خطبه ساباط..... ۶۷
- ۱-۵-۳-۲. توجیه شیخ مفید درباره خطبه ساباط و تقد آن..... ۶۹
- ۱-۵-۳-۲. شورش خوارج در ساباط یا مدائن؟..... ۷۴
- ۱-۵-۳-۳. ترور امام، حمله خوارج یا توطئه اشراف..... ۷۷

۷۷ ۱-۳-۵-۳-۱. نظر شیخ راضی آل یاسین و نقد آن
۷۷ ۲-۳-۵-۳-۱. همسو نبودن اهداف خوارج با ترور
۷۹ ۳-۳-۵-۳-۱. جدایی خوارج از امام در مدائن
۸۰ ۴-۳-۵-۳-۱. ترور امام، طرح اشراف همسو با معاویه
۸۲ ۵-۳-۵-۳-۱. تعیین زمان ترور و پوشیدن زره
۸۲ ۶-۳-۵-۳-۱. جراح بن سنان اسدی کیست؟
۸۴ ۴-۵-۳-۱. زمان ترو و مداوای امام
۸۵ ۶-۳-۱. حوادث مدائن
۸۵ ۱-۶-۳-۱. مداوای امام و نقد خبر مختار
۸۷ ۲-۶-۳-۱. برابری سپاه امام با سپاه پیشاهنگ معاویه
۸۸ ۷-۳-۱. حوادث مسکن
۸۸ ۱-۷-۳-۱. خیانت عبیدالله
۹۲ ۱-۱-۷-۳-۱. توجیه خیانت عبیدالله و نقد آن
۹۴ ۲-۱-۷-۳-۱. پناهندگی هشت هزار نفر به همراه عبیدالله؟!
۹۵ ۲-۷-۳-۱. قیس و فرار عبیدالله
۹۸ ۳-۷-۳-۱. جنگ روانی معاویه و آشفته‌گی در مدائن و مسکن

فصل دوم: صلح، رویکردها و مراحل آن

۱۰۱ ۱-۲. رویکردهای متضاد به صلح
۱۰۳ ۱-۱-۲. نظریه پیشگامی امام حسن (علیه السلام) به صلح
۱۰۸ ۱-۱-۱-۲. نقد رویکرد نخست
۱۱۰ ۲-۱-۲. نظریه اعتقاد به جهاد و پذیرش صلح تحمیلی
۱۱۱ ۱-۲-۱-۲. دلایل سلبی نظریه جهادی (نقدهای نظریه جهادی بر نظریه مکتب خلافت)
۱۱۵ ۲-۲-۱-۲. دلایل اثباتی نظریه جهادی (مستندات نظریه جهادی)
۱۱۶ ۳-۱-۲. نظریه پیش‌بینی صلح و مانور نظامی
۱۲۶ ۱-۳-۱-۲. مشکلات پذیرش پیشنهاد صلح در ابتدای خلافت امام حسن (علیه السلام)
۱۲۸ ۲-۲. مراحل صلح
۱۲۸ ۱-۲-۲. اعزام نمایندگان معاویه برای گفت‌وگوها
۱۳۱ ۲-۲-۲. جلسه مشورتی امام برای تصمیم نهایی
۱۳۲ ۳-۲-۲. اعزام نمایندگان برای شروط صلح‌نامه و تدوین آن
۱۳۴ ۴-۲-۲. معاهده صلح و بررسی آن

۱۳۶ مفاد اجماعی..... ۱-۴-۲-۲
۱۳۸ مفاد قابل بررسی..... ۲-۴-۲-۲
۱۳۹ عمل به سیره خلفای صالح یا راشدین..... ۱-۲-۴-۲-۲
۱۴۱ واگذاری خلافت به امام حسن (علیه السلام) پس از معاویه..... ۲-۲-۴-۲-۲
۱۴۹ شورایی بودن خلافت..... ۳-۲-۴-۲-۲
۱۵۳ خلافت امام حسین (علیه السلام) پس از امام حسن (علیه السلام)..... ۴-۲-۴-۲-۲
۱۵۴ ممنوعیت ناسزاگویی معاویه به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)..... ۵-۲-۴-۲-۲
۱۵۶ اختصاص امتیازات مالی به امام حسن (علیه السلام) و دیگران..... ۶-۲-۴-۲-۲
۱۶۲ نباید از معاویه با عنوان «امیرالمؤمنین» نام برده شود..... ۷-۲-۴-۲-۲
۱۶۲ عدم اقامه شهادت نزد معاویه..... ۱-۷-۲-۴-۲-۲
۱۶۴ شهود صلح نامه..... ۵-۲-۲
۱۶۵ مکان و زمان صلح..... ۶-۲-۲

فصل سوم: بازخوردها، تحلیل‌ها و حوادث پس از صلح

۱۶۷ مخالفان و معترضان صلح..... ۱-۳
۱۶۸ ماهیت اعتراض..... ۱-۱-۳
۱۷۰ تعداد معترضان..... ۲-۱-۳
۱۷۰ درک سیاسی بزرگان شیعه..... ۳-۱-۳
۱۷۰ بستر زمانی و مکانی اعتراضات..... ۴-۱-۳
۱۷۱ اسناد اعتراضات..... ۵-۱-۳
۱۷۱ استراتژی جامع روایات مخالفت با صلح..... ۶-۱-۳
۱۷۵ گونه‌شناسی گزارش‌های اعتراض..... ۷-۱-۳
۱۷۷ نقد و بررسی گزارش‌های اعتراض..... ۸-۱-۳
۱۷۷ امام حسین (علیه السلام)..... ۱-۸-۱-۳
۱۸۰ قیس بن سعد بن عباده..... ۲-۸-۱-۳
۱۸۱ حجر بن عدی..... ۳-۸-۱-۳
۱۸۴ مُسَیَّب بن نَجِیْه فَرّاری..... ۴-۸-۱-۳
۱۸۶ محمد بن حنفیه..... ۵-۸-۱-۳
۱۸۷ جابر بن عبدالله انصاری..... ۶-۸-۱-۳
۱۸۸ سلیمان بن صُرْد خُزاعی..... ۷-۸-۱-۳
۱۹۱ مالک بن صَمْرَه رَواسی عِتری (تصحیف به عنبری)..... ۸-۸-۱-۳

- ۱۹۲ ۳-۱-۸-۹. سفیان بن ابی لیلی همدانی.....
- ۱۹۴ ۳-۱-۸-۱۰. یوسف بن ماذن.....
- ۱۹۵ ۳-۱-۹. تحلیل رویداد اعتراض به صلح.....
- ۱۹۵ ۳-۱-۹-۱. کم‌توجهی به انواع اعتراض.....
- ۱۹۷ ۳-۱-۹-۲. برداشت نادرست از شخصیت یاران امام علی (علیه السلام).....
- ۲۰۱ ۳-۱-۹-۳. کم‌توجهی به عنصر فعال خوارج.....
- ۲۰۲ ۳-۱-۹-۴. کم‌توجهی به بستر زمانی و مکانی اعتراض.....
- ۲۰۳ ۳-۱-۱۰. جعل و تحریف از سوی تاریخ‌نگاران.....
- ۲۰۴ ۳-۲. علل و عوامل صلح.....
- ۲۰۵ ۳-۲-۱. نبود نیروی معتقد به جنگ.....
- ۲۰۹ ۳-۲-۲. خیانت فرماندهان و اشراف.....
- ۲۱۰ ۳-۲-۳. حفظ کیان تشیع.....
- ۲۱۵ ۳-۲-۴. تشتت اندیشه و اهداف در نیروها.....
- ۲۱۸ ۳-۲-۵. عافیت‌طلبی و خستگی از جنگ.....
- ۲۱۹ ۳-۲-۶. اختلاف تعداد نیروهای سپاه عراق و شام.....
- ۲۲۰ ۳-۳. حوادث پس از صلح.....
- ۲۲۰ ۳-۳-۱. سپاه عراق و شام در کوفه.....
- ۲۲۱ ۳-۳-۲. سقوط کوفه.....
- ۲۲۳ ۳-۳-۳. بیعت با معاویه.....
- ۲۲۶ ۳-۳-۴. دو خطبه تاریخی امام حسن (علیه السلام) در کوفه.....
- ۲۳۱ ۳-۳-۵. حرکت امام حسن (علیه السلام) به سوی مدینه.....

فصل چهارم: دوران مدینه (عملکردها و واکنش‌ها)

- ۲۳۶ ۴-۱. عام الجماعة.....
- ۲۳۷ ۴-۲. ارزیابی عملکرد معاویه نسبت به مفاد صلح‌نامه.....
- ۲۳۸ ۴-۲-۱. عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله).....
- ۲۴۰ ۴-۲-۲. واگذاری مشروط خلافت به معاویه.....
- ۲۴۲ ۴-۲-۳. ممنوعیت ناسزاگویی معاویه به امیرالمؤمنین (علیه السلام).....
- ۲۴۳ ۴-۲-۴. امنیت جانی و مالی مردم و اصحاب امام علی (علیه السلام).....
- ۲۴۷ ۴-۳. واکنش و موضع امام حسن (علیه السلام) در برابر اعمال معاویه و کارگزاران او.....
- ۲۴۷ ۴-۳-۱. پناه دادن به شیعیان و دفاع از آنان.....

- ۲۴۹ ۲-۳-۴. پاسخ عملی به سبّ و توهین به امیرالمؤمنین (علیه السلام).....
- ۲۵۱ ۳-۳-۴. ارتباط امام حسن (علیه السلام) با شیعیان پس از صلح.....

فصل پنجم: شهادت امام حسن مجتبی (علیه السلام)

- ۲۵۳ ۱-۵. شهادت و فرضیه‌های دیگر.....
- ۲۵۴ ۱-۱-۵. دیدگاه اول: نظریه وفات به خاطر بیماری سل.....
- ۲۵۵ ۲-۱-۵. دیدگاه دوم: نظریه مسمومیت به سبب حسادت و عقده‌گشایی همسران.....
- ۲۵۶ ۳-۱-۵. دیدگاه سوم: مسمومیت توسط یکی از همسران امام.....
- ۲۵۸ ۴-۱-۵. مسمومیت امام با توطئه معاویه به دست جده.....
- ۲۶۵ ۲-۵. واپسین لحظات و وصیت امام (علیه السلام).....
- ۲۶۹ ۳-۵. تاریخ شهادت امام حسن (علیه السلام).....
- ۲۷۲ ۴-۵. تجهیز، تشییع و تدفین امام.....
- ۲۷۲ ۱-۴-۵. مراسم تجهیز.....
- ۲۷۴ ۲-۴-۵. مراسم تشییع و فتنه ممانعت از دفن امام در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله).....
- ۲۷۹ ۱-۲-۴-۵. تاریخ نگاری عثمانی و توجیه ممانعت عایشه.....
- ۲۸۱ ۲-۲-۴-۵. طرح موضوع طلاق عایشه در مراسم تشییع امام حسن (علیه السلام).....
- ۲۸۵ ۳-۲-۴-۵. تیرباران تابوت مطهر امام حسن (علیه السلام).....
- ۲۸۹ ۳-۴-۵. دفن امام (علیه السلام) و مراثی و بازتاب آن.....
- ۲۹۰ ۴-۴-۵. مراثی و سخنان در سوگ امام حسن (علیه السلام).....
- ۲۹۰ ۱-۴-۴-۵. مرثیه امام حسین (علیه السلام) در سوگ برادر.....
- ۲۹۱ ۲-۴-۴-۵. مرثیه چند تن از بنی هاشم.....
- ۲۹۲ ۳-۴-۴-۵. سخن ابوهریره و اشعار شاعران شیعی در روز شهادت امام حسن (علیه السلام).....
- ۲۹۴ ۴-۴-۴-۵. بازتاب شهادت امام مجتبی (علیه السلام).....
- ۲۹۹ منابع.....

پیشگفتار

تاریخ سیاسی امام حسن علیه السلام از دیگر بخش‌های زندگانی آن حضرت از پیچیدگی‌های بیشتری برخوردار است. دشمنی هدفمند و سازمان یافته امویان و عباسیان برای تعرض و تحریف و دستکاری این بخش و گاه عدم دقتها و نیز خطاهای دوستان نآشنا از اسباب اصلی این دشواریها است. حرکت در چنین مسیری بس دشوار است. کشف حقیقت نیاز به تتبع دقیق و دانستن علوم مختلف دارد. البته نویسنده این سطور ادعای داشتن این دو شرط را به طور کامل ندارد، ولی سعی شده تا با ارزیابی‌های مختلف و سنجش روایات، گزارشات مربوط به این بخش از زندگانی آن حضرت پالایش شده و با استفاده از نظرات دیگر اندیشمندان معاصر آنچه را که به صواب نزدیک تشخیص داده شده است در معرض دید و قضاوت خوانندگان فرهیخته قرار گیرد.

به یقین سوالات بی پاسخ و دشواری‌های حل نشده کم نیست و نیاز به فرصت بیشتر برای تحقیق دارد. این نوشتار که به سیره سیاسی آن حضرت از امامت تا شهادت پرداخته است در چهار بخش سامان یافته است. بخش اول: حوادث دوران امامت و خلافت امام حسن علیه السلام تا واگذاری خلافت به معاویه را مورد بحث و بررسی قرار داده است. بخش دوم به صلح و رویکردها و مراحل آن پرداخته شده است که چالش‌های فراوان و رویکردهای متناقض قابل توجهی در این بخش وجود دارد. بخش سوم به زندگانی امام حسن علیه السلام در مدینه بعد از خلافت اختصاص یافته است. این بخش از زندگانی آن حضرت که قریب به ده سال بوده است به نظر می رسد تلاش مستقلی را می طلبد؛ چرا که ابعاد فراوانی در آن ناپیدا است و تصویر روشن و نزدیکی از حوادث در این مدت هنوز ترسیم نشده است. بخش چهارم و پایانی نیز در باره شهادت و حوادث پیرامون آن است. این بخش نیز هر چند که تصور می شود نباید با چالش‌های

۲ امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) از امامت تا شهادت

تاریخی روبرو باشد، اما در درون خود حوادث و نکات مهمی را نهفته دارد که باید با تامل و دقت مورد بررسی قرار گیرد.

به هر حال این بضاعت ناچیز ما است که به پیشگاه مقدس و نورانی سبط اکبر رسول خدا ﷺ، حضرت ثانی الحجج امام حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) تقدیم می شود. تا چه نظر افتد و تا یار کرا خواهد و میلش به که باشد. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.
محمدرضا هدایت پناه

فصل اول

امامت و خلافت (۴۰-۴۱ق)

۱-۱. دلایل امامت

شیعه برای اثبات امامت امامان معصوم دلایل و راه‌های مختلفی دارد که البته موضوع نصّ بر امامت مهم‌ترین و اصلی‌ترین آنها است، اما راه‌های دیگری نیز وجود دارد که در تاریخ تشیع همواره اصحاب امامان آنها را نیز مورد توجه داشته‌اند مانند معجزات و نیز علم امامان. بر این اساس در باب دلایل امامت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام به دو گونه نصّ و معجزات اجازه می‌شود.

۱-۱-۱. نصّ و وصایت

امام حسن علیه السلام روز بیست و یکم ماه رمضان سال ۴۰ هجری پس از شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خلافت رسید. امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام شهادت، امام حسن علیه السلام را به جانشینی خویش تعیین کرد. بر این اساس و با توجه به مطالب پیش گفته، از طرح سه موضوع مهم در این باره ناگزیریم.

۱. آیا امام علی علیه السلام به امامت و خلافت امام حسن علیه السلام وصیت کرد؟

۲. وصیت به چه معناست؟ وصایت از نظر کلامی و تاریخی به معنای خلافت است؛ وصایت به معنای عام و عرفی آن که یک فرد مطالب شخصی و مورد نظر خود را به وارث یا وکیل خود وصیت می‌کند تا آنها را پس از مرگش انجام دهد نیست؛ بلکه وصایت کلامی در مورد جانشینی به معنای سپردن امر خلافت بر مبنای دستور خاصّ مطرح است که شیعه بر اساس دلایلی آن را از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌داند.

۳. بر فرض اثبات این دو مطلب، براساس مکتب انتخاب، وصیت امام علی (علیه السلام) به امامت امام حسن (علیه السلام)، اولاً، چگونه مشروعیت دارد؟ ثانیاً، با توجه به شبهه حکمیت^۱ و از آنجا که خلافت امام مجتبیٰ (علیه السلام) فرع بر مشروعیت خلافت امام علی (علیه السلام) است، این وصایت و انتخاب چگونه قابل توجیه است؟

پاسخ‌های تفصیلی به این پرسش‌ها که بخشی به تاریخ امیرالمؤمنین (علیه السلام) مربوط می‌شود، شاید بارها در منابع و تحقیقات تاریخی و کلامی داده شده است؛ لذا نیازی نیست که در اینجا به آنها به تفصیل پرداخته شود، بلکه تنها هرآنچه مربوط به بحث پیرامون خلافت امام حسن (علیه السلام) است، به اجمال ارائه خواهد شد.

۱-۱-۱. امامت امام مجتبیٰ (علیه السلام) در منابع شیعه

امام حسن (علیه السلام) نخستین فرد از امامان شیعه است که خلافت ایشان به صورت تفصیلی از سوی امیرالمؤمنین (علیه السلام) اعلام شده است؛ از این رو، جانشینی آن حضرت اهمیتی دوچندان یافته است. امامت امام مجتبیٰ (علیه السلام) صرف نظر از مباحث و استدلال‌ات کلامی، از نظر اثبات تاریخی نیز موضوع بسیار مهم است؛ چراکه اگر خلافت آن حضرت از منظر تاریخی نیز ثابت شود، از یک سو دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره جانشینی پیامبر ﷺ - که همیشه موضوع گفت‌وگوی میان دو مذهب تشیع و تسنن بوده - آشکار خواهد شد و از سوی دیگر، حقانیت امامت امامان بعدی نیز براساس اثبات چنین دیدگاهی به دست خواهد آمد.

پرفسور محمد حمیدالله (۱۳۲۶-۱۴۲۳ق) در ضمن نامه‌ای از فرانسه به استاد سیدهادی خسروشاهی در تاریخ هشتم شوال ۱۳۸۷ قمری، به کتاب «اصل الشیعه و اصولها» نوشته آیت‌الله شیخ محدحسین کاشف‌الغطاء اشاره کرده، می‌نویسد: «من دیدگاه‌های خاورشناسان و استاد به آنها را دوست ندارم؛ زیرا آنها - چنان‌که بر شما پنهان نیست - به هر بهانه‌ای به پراکندن صفوف اهل قبله اهتمام می‌ورزند. مؤلف مرحوم (کاشف‌الغطاء) در صفحه ۱۰۹ سطر

۱. این شبهه را معاویه و امویان پس از حکمیت مطرح کردند، به این مضمون که با توجه به اجماع هر دو حکم بر عزل امیرالمؤمنین از خلافت، هر اقدام دیگر او فاقد مشروعیت بوده است. بنابراین انتصابات و انتخابات ایشان در امور مسلمین، از وجهه قانونی برخوردار نبوده است. براین اساس، چنانچه امام حسن براساس وصایت یا انتخاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان خلیفه معرفی شده باشد، این انتخاب قانونی نیست.

۱۳ می نویسد: علی علیه السلام فرزندش حسن علیه السلام را وصی خود قرار داد. ای کاش می دانستم که آیا برای شما امکان دارد مرا به مأخذ و مستند تاریخی ارجاع دهید که سرور ما علی صلی الله علیه و آله - فرزندش را ولیعهد نامیده است؛ چراکه این مطلب اهمیت زیادی در تاریخ علم حقوق، نزد مسلمانان دارد. من در این چند سال، همواره از دانشوران در این مورد پرسیده‌ام و کتاب‌ها را تصفح کرده‌ام؛ بدون اینکه به نتیجه‌ای برسم. البته این مطلب در کتاب‌های عقاید آمده، ولی در کتاب‌های تاریخ یاد نشده است. در منابع تاریخی یک نامه برای سرور ما علی علیه السلام شناخته شده، ولی در آن یادی از حکومت و امامت یا خلافت نیست، بلکه فقط در باب مسائل خانوادگی است. اگر وصیت نامه‌ای دیگر موجود است که از امامت یاد کرده، همان است که در پی آنم.^۱ این نامه به خوبی گویای اهمیت این موضوع است. شخصیتی علمی چون ایشان که بر منابع تاریخی تسلط داشته، اما در نامه خود نسبت به اینکه موضوع در منابع تاریخی آمده باشد، اظهار بی‌اطلاعی کرده است.

از نظر شیعه، امام علی علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام به خلافت وصیت کرد. این موضوع در روایات و کتاب‌های شیعه به اثبات رسیده و در منابع تاریخی نیز دلایل و شواهدی بر صحت این مطلب وجود دارد. اخبار کلی امامت مانند حدیث ثقلین، سفینه، خلفاء اثناعشر، امان و نیز روایات و اخباری که نام دوازده امام را به‌اجمال یا به‌صراحت یاد کرده‌اند، بر این مطلب گواه است. افزون بر آنها، دسته دیگری از اخبار در منابع حدیثی و تاریخی به‌طور خاص بر امامت امام حسن علیه السلام اشاره کرده‌اند که به شرح ذیل‌اند.

۱. حدیث نبوی صلی الله علیه و آله: حسن و حسین امام‌اند، چه قیام کنند و چه قیام نکنند.
۲. حدیث نبوی صلی الله علیه و آله: این حسین، امام است و پسر امام و برادر امام و پدر امامان نه‌گانه.
۳. حدیث نبوی صلی الله علیه و آله: حسن و حسین از عترت و اوصیا و جانشینان من هستند.

۱. استاد خسروشاهی این نامه را به مرحوم آیت‌الله علی احمدی میانجی عرضه داشته و مرحوم آیت‌الله میانجی پاسخ‌هایی بدان داده که در این نوشتار به برخی از آنها اشاره شده، ولی به‌نظر می‌رسد برخی قابل‌خنده باشد (ر.ک: آیت‌الله احمدی میانجی، «گذری بر نصوص امیرالمؤمنین بر امامت امام حسن مجتبی علیه السلام»، ترجمه مهدی ناصری، مجله سفینه، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷-۱۴۹). متن عربی نامه آیت‌الله میانجی را ر.ک: خسروشاهی، سید هادی، «اسناد و یادداشت‌هایی درباره پرفسور حمیدالله و آیت‌الله احمدی میانجی»، فصلنامه پیام بهارستان (نشریه کتابخانه مجلس شورای اسلامی)، شماره ۷، بهار ۱۳۸۹، ص ۷۵-۹۰.

۴. امیرالمؤمنین خطاب به حسنین (علیهم السلام): شما دو تن پس از من، دو امام و دو سرور جوانان بهشت هستید و دو معصومید. خداوند شما را نگاه دارد و لعنت خدا بر کسی که با شما دو تن دشمنی کند.

۵. کلام دیگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به امام حسن (علیه السلام): پسر من تو ولی امر و ولی دم من هستی. ۶. در جای دیگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به امام مجتبیٰ (علیه السلام): تویی - ای حسن - وصی من و کسی که پس از من به امر (امامت) می پردازد و تویی - ای حسین - شریک او در وصیت پس از زمان حیاتش. ساکت و تابع او باش، وقتی از دنیا رفت، تو پس از او سخن گو هستی و به امر (امامت) می پردازی.

براین اساس و با توجه به رویکرد تاریخی این نوشتار، امامت امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) در منابع شیعه و اهل تسنن بررسی خواهد شد.

۱-۱-۱-۱-۱. روایات کلینی در باب نصّ بر خلافت امام حسن (علیه السلام)

کلینی در «باب الاشارة و النصّ علی الحسن بن علی (علیه السلام)»، به نقل هفت روایت پرداخته که روایات اول و دوم مربوط به وصیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در موضوع جانشینی خود است. این دو روایت را در ادامه مرور خواهیم کرد.

۱. علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن حماد بن عيسى، عن ابراهيم بن عمر اليماني و عمر بن اذينة، عن اَبان، عن سليم بن قيس قال: شهدت وصية أمير المؤمنين (علیه السلام) حين أوصى إلى ابنه الحسن (علیه السلام) و أشهد علی وصيته الحسين (علیه السلام) و محمدا و جميع ولده و رؤساء شيعته و اهل بيته، ثم دفع إليه الكتاب و السلاح و قال لابنه الحسن (علیه السلام): يا بني! أمرني رسول الله ﷺ أن أوصي إليك و أن أدفع إليك كتبي و سلاحی، كما أوصى إلى رسول الله ﷺ و دفع إلى كتيبه و سلاحه، و أمرني أن أمرک إذا حضرک الموت أن تدفعها إلى أخیک الحسين (علیه السلام)، ثم اقبل علی ابنه الحسين (علیه السلام)، فقال: و أمرک رسول الله ﷺ أن تدفعها إلى ابنک هذا، ثم أخذ بيد علی بن الحسين (علیه السلام)، ثم قال لعلی بن الحسين: و أمرک رسول الله ﷺ أن تدفعها إلى ابنک محمد بن علی، و اقرأه من رسول الله ﷺ و منی السلام.^۱

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۸؛ نیز ر.ک: سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم، ج ۲، ص ۹۲۵؛ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۹۴.

سلیم بن قیس هلالی گوید: «من در لحظه شهادت امام علی علیه السلام حاضر بودم، درحالی که امام حسین علیه السلام و محمد حنفیه و تمام فرزندان و بزرگان شیعیان و خاندانش نیز حضور داشتند. آن حضرت پس از سپردن کتاب و سلاح به امام مجتبی علیه السلام، فرمود: فرزندم! رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمان داد تا به تو وصیت کنم و اینها را به تو بسپارم، آن چنان که به پیامبر امر شده بود تا کتابها و سلاح خود را به من بدهد. همچنین امر فرمود هنگام وفات، آنها را به برادرت حسین بدهی. آن گاه به امام حسین علیه السلام رو کرد و فرمود: و رسول خدا صلی الله علیه و آله به تو وصیت کرد تا آنها را به فرزندت علی بسپاری، و دست علی بن الحسین علیه السلام را گرفت و فرمود: و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز به تو فرمان داده تا آنها را به فرزندت محمد بن علی علیه السلام واگذاری، و از طرف رسول خدا و من به او سلام برسانی».

۲. علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن عبدالصمد بن بشیر، عن ابی الجارود، عن ابی جعفر علیه السلام قال: إن أمیر المؤمنین صلوات الله علیه لما حضره الذی حضره، قال لابنه الحسن: ادن منی حتی أَسْرَ إِلَیک ما أَسْرَ رسول الله صلی الله علیه و آله إلی، وأتَمَنک علی ما أتمننی علیه، ففعل؛ ۱ جابر جعفی از امام باقر نقل کرده که امام علی هنگام وفات به فرزندش حسن فرمود: پسر من نزدیک بیا تا اسراری را که رسول خدا به من داده به تو بگویم، و تو را بر آنچه مرا امین قرار داده امین قرار دهم و چنان شد.

۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: أَوْصَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْحَسَنِ... ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ فَقَالَ: يَا بَنِي أَنْتَ وَوَلِيُّ الْأَمْرِ وَوَلِيُّ الدِّمِّ؛ ۲ جابر جعفی از امام باقر روایت کرده که فرمود: علی به فرزندش حسن رو کرد و فرمود: تو صاحب این امر (خلافت) و صاحب خون من هستی.

۱-۱-۱-۲. گفتار طبرسی درباره وصایت امام حسن علیه السلام

طبرسی برای اثبات وصایت و جانشینی امام حسن علیه السلام پس از امام علی علیه السلام شش دلیل کلامی و تاریخی آورده است. دلیل دوم وی اشاره به برخی روایاتی است که ملاحظه شد. وی می نویسد:

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۹۸-۲۹۹.

به تواتر شیعه رسیده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرزندش امام حسن (علیه السلام) را در حضور جمعی از شیعیان به صراحت به خلافت و جانشینی خود معرفی کرد. این تواتر، تواتری است اطمینان آور؛ و کسی که در آن احتمال توافق بر کذب را بدهد، همانند آن کسی است که چنین احتمالی را در باب تواتر بر معجزات پیامبر (صلی الله علیه و آله) به امت (مسلمانان) نسبت می‌دهد.^۱

اربلی وزیر و متفکر شیعه نیز به تواتر شیعه بر موضوع وصایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) تصریح کرده و با اندک اختلاف، همان سخن طبرسی را بیان کرده است.^۲ روایت دیگر، سخنان ابوالاسود دؤلی است که در ادامه خواهد آمد و در آن به وصایت امام علی (علیه السلام) برای امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) تصریح شده است. این روایت می‌تواند ضعف سندی دو روایت پیشین را اندکی جبران کند و با توجه به قرائن و شواهد دیگر، موضوع وصایت به عنوان خبری موثوق به تلقی شود.

موضوع واگذاری خلافت از سوی امام علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) را تنها مورخان و محدثان شیعه بازتاب نداده‌اند، بلکه در منابع اهل سنت نیز انعکاس یافته است. در ادامه به سخنان آنان اشاره خواهد شد.

۱-۱-۱-۳. موضوع وصایت در کلام امام حسن (علیه السلام)

از دیگر مواردی که در آن به موضوع وصایت و جانشینی امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) اشاره شده، سخنان و خطبه‌هایی از امام حسن (علیه السلام) است که در آن به موضوع جانشینی امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امر امامت تصریح کرده‌اند. حضرت در خطبه‌ای می‌فرماید:

زمانی که خداوند منان و رحمان فرائض را بر شما واجب کرد، آنها را به خاطر نیاز خود بر شما واجب نکرد، بلکه آن فرایض را از فرط رحمت و مهرش نسبت به شما واجب کرد... خداوند حج و عمره و اقامه نماز و پرداخت زکات و ولایت ما اهل بیت را بر شما واجب دانست... و اگر محمد و جانشینانش از فرزندانش نبودند، شما همانند چهارپایان سرگشته و حیران می‌ماندید و هیچ گونه فریضه‌ای را تشخیص نمی‌دادید... پس خداوند با قرار دادن جانشینان و سرپرستانی پس از پیامبرتان بر شما منت نهاد و فرمود: «امروز دینتان را برایتان کامل ساختم و نعمتم را برایتان تمام

۱. طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۰۶.

۲. اربلی، کشف الغمة، ج ۱، ص ۵۳۱.

کردم و اسلام را به عنوان دین برایتان پسندیدم؛ از این رو خداوند بر گردن شما حقوقی را نسبت به اولیای خود قرار داد و به شما فرمان داد تا آن حقوق را نسبت به صاحبشان ادا کنید.^۱

امام در خطبه‌ای دیگر بعد از شهادت پدر گرامی‌اش و هنگامی که مردم برای بیعت با ایشان اجتماع کرده بودند، فرمود: «من از خاندانی هستم که خداوند فرمان‌برداری از آنها را در کتابش واجب کرده است».^۲ همچنین در بخش دیگری از خطبه خود هنگام بیعت چنین فرمود: «ما حزب پیروز خداوندیم، ما عترت نزدیک پیامبریم و اهل بیت مطهر او، و یکی از دو ثقلی هستیم که رسول خدا ﷺ در میان امتش به ودیعه گذارده است... از ما اطاعت کنید که فرمان‌برداری از ما، به سان فرمان‌برداری از خداوند و پیامبرش واجب شده است. خداوند عزوجل می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا و رسولش و اولی الامر اطاعت کنید».^۳ آن حضرت در نامه خود به معاویه به این حقیقت که از سوی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خلافت مسلمین نصب شده، تصریح کرده است.^۴

امام حسن (علیه السلام) همچنین در پاسخ به یکی از یارانش درباره توجیه صلح فرمود:

ای ابوسعید! آیا من حجت خداوند بر بندگانش و امام آنان پس از پدرم نیستم؟ ابوسعید گفت: آری. امام فرمود: آیا من کسی نیستم که رسول خدا ﷺ درباره من و برادرم فرمود: حسن و حسین امام‌اند، چه قیام کنند و چه قیام نکنند؟ ابوسعید گفت: آری. حضرت فرمود: ای ابوسعید! پس من چه در حالت قیام و چه در حالت قعود، امام هستم.^۵

۱. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۹؛ طوسی، الأمالی، ص ۶۵۵.

۲. اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۵۶. البته در منابع متعدد به جای کلمه «طاعتهم» کلمه «مودتهم» آمده است که به آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» (شوری، ۲۳) اشاره دارد و فرمود: فالحسنة مودتنا اهل البيت. به نظر می‌رسد عبارت «مودتهم» درست باشد (ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۳)؛ اما در امالی طوسی هر دو (مودتهم و ولایتهم) آمده است (طوسی، الأمالی، ص ۲۷۰).

۳. مفید، الأمالی، ص ۳۴۹.

۴. «و بعد فإن أمير المؤمنين علي بن ابي طالب لما نزل به الموت ولأنني هذا الأمر من بعده...» (اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۵۳۳).

۵. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۱.

۱-۱-۲. وصایت امام حسن (علیه السلام) از منظر شیعیان

در سخنان یاران امام مجتبیٰ (علیه السلام) نیز به این مطلب تصریح شده است که امام حسن (علیه السلام) از سوی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به خلافت و امامت رسیده است. دیدیم که سلیم بن قیس هلالی گویای این مطلب و شاهد وصیت امام علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) بوده است. افزون بر او، بنابر روایتی اصبع بن نباته نیز در این لحظه حاضر بوده و چنین روایت کرده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) حسنین را فراخواند و فرمود:

به راستی من امشب جان خواهم داد و به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خواهم پیوست. به سخنانم گوش دهید و آن را به خاطر بسپارید. ای حسن! همانا تو وصی و جانشین و برپادارنده خلافت پس از من هستی؛ و ای حسین! تو نیز در این وصیت با او شریکی. و لکن تا زمانی که حسن زنده و باقی است، باید در برابر سخنان او ساکت (مطیع) و پیرو امر او باشی. و هرگاه از دنیا رفت، گوینده پس از او و نیز متولی خلافت تو خواهی بود.^۱

ابن عباس از دیگر اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که در سخنرانی خود برای ترغیب مردم به بیعت با امام مجتبیٰ (علیه السلام) چنین گفت:

معاشر الناس! هذا ابن بنت) نبیکم و وصی امامکم فبايعوه. فاستجاب له الناس فقالوا: ما أحبه إلینا و أوجب حقه علينا، و تبادروا إلى البيعة له بالخلافة...؛ ای مردم! این فرزند دختر پیامبر شما و وصی امام شماست، پس با او بیعت کنید... ۲۰

ابوالاسود دؤلی که در بصره بود، هنگام شنیدن خبر شهادت علی (علیه السلام) و زمان گرفتن بیعت برای امام حسن (علیه السلام) گفت:

علی (علیه السلام) وصیت کرده که «امامت» پس از خود به فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و فرزند و خاندان مطهر ایشان که در اخلاق و روش همانندش هستند برسد. و من امیدوارم که خداوند پشتیبان و پناهگاهشان گردد و صدمه‌ای را که از شهادت علی (علیه السلام) در دین ایجاد شده، با امامت ایشان

۱. «إني مقبوض في ليلتي هذه و لاحق برسول الله (صلی الله علیه و آله)، فاسمعا قولي و عياها: يا حسن! أنت وصيي و القائم بالأمر بعدی، و أنت يا حسين شريكه في الوصية، (و لکن) انصت ما نطق و كن لأمره تابعاً ما بقي، فإذا خرج من الدنيا فأنت الناطق بعده و القائم بالأمر. ثم قال للحسن: إنك ولي الأمر بعدی...» (ابن حاتم شامی، الدر النظيم في مناقب الأئمة المهاميم، ص ۳۷۷).

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۶۲؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۸؛ طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۰۷؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۶، ص ۲۹.

(امام حسن علیه السلام) ترمیم کرده و امت اسلامی را یکپارچه، و آتش فتنه را خاموش گرداند. پس با وی بیعت کنید تا هدایت یابید.^۱

وی در خطبه دیگر پس از شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام گفت: «و قد اوصی بالامامة بعده الی ابن رسول الله و ابنه و سلیله و شبیهه فی خلقه و هدیه...»^۲.

قطب راوندی نیز در کتاب خود، به نقل از حارث همدانی روایتی را در موضوع وصایت و جانشینی امام حسن علیه السلام نقل کرده است. وی گوید: «پس از شهادت امام علی علیه السلام، مردم به نزد امام حسن علیه السلام آمدند و به امام گفتند: تو خلیفه و وصی پدرت هستی، و ما فرمان بردار و مطیع تو هستیم».^۳ ابوالفرج اصفهانی که یک شیعه زیدی است نیز در الأغانی به وصیت امام علی علیه السلام به امامت امام حسن علیه السلام پس از خود تصریح کرده و گوید: «و قد اوصی بالامامة بعده الی ابن رسول الله و ابنه و سلیله و شبیهه فی خلقه و هدیه...»^۴.

در کتاب اثبات الوصیة (منسوب به مسعودی) آمده است که: «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: وَ أَتَى أَوْصِيَ إِلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَاسْمَعُوا لِهَمَا وَ أَطِيعُوا أَمْرَهُمَا»^۵ مسعودی در مروج الذهب نیز به وصایت و امامت امام حسن و امام حسین علیه السلام از منظر شیعه چنین بیان و استدلال دارد که: علی علیه السلام به دو فرزندش حسن و حسین وصیت کرد. امامت آن دو به دلیل همتایی و مشارکتشان با علی علیه السلام در آیه تطهیر است و این مطلب، اعتقاد بسیاری است که به نص بر خلافت باور دارند.^۶ در اثبات الهداة نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت چنین آمده است که خطاب به فرزندش امام مجتبی علیه السلام فرمود: «أَنْتَ يَا حَسَنُ وَصِيٌّ وَ الْقَائِمُ بِالْأَمْرِ بَعْدِي»^۷.

۱. ابوالفرج اصفهانی، الأغانی، ج ۱۴، ص ۳۸۰.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۳۸۰.

۳. «مَا رَوَى عَنِ الْحَارِثِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: لَمَّا مَاتَ عَلِيُّ علیه السلام جَاءَ النَّاسُ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام، فَقَالُوا لَهُ: أَنْتَ خَلِيفَةُ أَبِيكَ وَ وَصِيُّهُ، وَ نَحْنُ السَّامِعُونَ الْمُطِيعُونَ لَكَ، فَمُرْنَا بِأَمْرِكَ» (ر.ک: راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۷۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۴۳).

۴. ابوالفرج اصفهانی، الأغانی، ج ۶، ص ۱۲۱.

۵. مسعودی (منسوب)، اثبات الوصیة، ص ۱۵۰.

۶. و قد ذكرت طائفة من الناس أَنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَوْصَى إِلَى ابْنَيْهِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، لِأَنَّهُمَا شَرِيكَاهُ فِي آيَةِ التَّطْهِيرِ. وَ هَذَا قَوْلٌ كَثِيرٌ مِمَّنْ ذَهَبَ إِلَى الْقَوْلِ بِالنِّصِّ (مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۲۵).

۷. حر عاملی، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۱۴۰.

وصایت امام حسن (علیه السلام) در کلام مسعودی: همان طور که اشاره شد، مسعودی از مورخان مشهور که به تشیع نیز منسوب است، موضوع وصایت امام علی (علیه السلام) به امام حسن و امام حسین (علیه السلام) را نظر قریب به اتفاق گروه های شیعه می داند که به نص قائل اند و دلیل این موضوع را مشارکت هر سه امام در آیه تطهیر دانسته است؛^۱ ولی در ادامه به مطلبی اشاره کرده که برخلاف گفتار نخست است و سبب شبهه ای در این زمینه شده است. مسعودی به حضور گروهی از مردم^۲ اشاره کرده که به امام علی (علیه السلام) گفتند: «در صورت فقدان شما، آیا ما با حسن بیعت کنیم؟ علی (علیه السلام) فرمود: من شما را به این کار امر و نهی نمی کنم و خود دانایید!».^۳

بخش اول کلام مسعودی، مؤید روایات نخست است؛ یعنی نشان می دهد موضوع وصایت به معنای تسلیم خلافت و امامت، از موضوعات مسلم نزد جامعه شیعه و علمای آنان بوده است؛ زیرا چنین کاری که پیشینه نداشته است، تنها با فرض وصایت و آشنایی شیعیان با چنین مفهومی در باب خلافت قابل توجیه و پذیرش است؛ از این رو، نه تنها با انتصاب امام حسن (علیه السلام)، بلکه با تعیین امامان بعدی از سوی امیرالمؤمنین (علیه السلام) با امر غریبی مواجه نشدند و حداقل کسی در این زمینه از امام سؤال نکرد که چنین رویه ای پیشتر نبوده است. به همین دلیل، شیعیان عراق پس از امام حسن (علیه السلام) بلافاصله با امام حسین (علیه السلام) به عنوان امام خود بیعت کردند.

اما بخش دوم سخن مسعودی که به گزارش فوق اشاره کرده، برخلاف مشهور روایات صحیح است و یا حداقل مخالف شهرت روایات شیعه، بلکه برخی روایات اهل سنت و حتی سخن دیگر مسعودی است.

اولاً، این روایت از جهت سند با اشکالاتی روبه رو است. به طور مثال، طبری^۴ و برخی منابع دیگر^۱ اصلاً سندی برای این گزارش نیاورده اند؛ ثانیاً، سندی که ابن ابی الدنیا^۲ و بلاذری^۳ و

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۲۵.

۲. در تمام منابع دیگر، جندب بن عبدالله بجلی را به عنوان شخصی که از آن حضرت چنین سؤالی کرده، نام برده اند (ر.ک: مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۲۵؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۷۱۷).

۳. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۲۵. در پاورقی برخی از منابع، روایت مناقب خوارزمی را چنین آورده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در پاسخ جندب فرمود: نعم (ر.ک: ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۷۱۷، اورقی ۳؛ الشبراوی، الاتحاف بحب الاشراف، ص ۱۰۵-۱۰۶، پاورقی ۴)؛ در حالی که در تمام منابع، از جمله مناقب خوارزمی، ص ۳۸۴ روایت همین گونه که بیان شد آمده است.

۴. طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۱۴۷.

طبرانی^۴ برای این مطلب آورده‌اند، به خاطر افراد مجهول و انقطاع سند، ضعیف است؛ ثالثاً، شبیه همین مطلب با سندی که باز هم ضعیف است، از عبدالله بن سمیع نقل شده^۵ که با توجه به اسناد مستفیضه‌ای که درباره‌ی نصّ بر امامت امام مجتبی (علیه السلام) در منابع شیعه و اهل سنت است و حتی برخی از دانشمندان اهل سنت بدان اعتراف کرده‌اند، نشان‌دهنده‌ی دخالت دست تحریفگران در این زمینه است.^۶

علاوه‌براین، مسعودی برای موضوع دوم ادعای شهرت نکرده، اما تعارضی نیز میان دو بخش مزبور وجود ندارد؛ زیرا وصایت امام که در اسناد نخست مطرح است، مربوط به وظیفه‌ای بوده که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) متوجه امام و بیعت خاصه بوده است. اما اینکه مردم بیعت بکنند یا خیر، موضوعی دیگر است و با توجه به اینکه امام فرموده است شما را نهی نمی‌کنم، تعارضی از جهت محتوا با روایات نخست و گفتار نخست مسعودی ندارد. به همین دلیل، شواهدی هر دو بیعت خاصه و عامه را تأیید کرده است.

از جمله شواهدی که موضوع وصایت را تأیید می‌کند، «زمان بیعت» است که دو قول درباره‌ی آن نقل شده است: یکی روز شهادت امام علی (علیه السلام) و دیگری دو روز بعد از شهادت آن حضرت.^۷ روز شهادت با دو موضوع بیعت خاصه و عامه سازگار است، ولی روایت دو روز، به طور قطع مربوط به بیعت عامه است. اما وجود دو قول درباره‌ی زمان بیعت، می‌تواند ناشی از دو بیعت خاصه و عامه باشد که در این صورت، هر دو روایت توجیه خواهد شد.

-
۱. ابن جوزی، المنتظم، ج ۵، ص ۱۷۵؛ ابن اثیر، الكامل، ج ۳، ص ۳۹۱؛ نویری، نهاية الأرب، ج ۲۰، ص ۲۲۴؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۶۴۶.
 ۲. ابن ابی‌الدنیا، مقتل امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ص ۴۸-۴۹.
 ۳. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۵۰۳.
 ۴. بخاری، التاريخ الكبير، ۱، ص ۱۰۰.
 ۵. ابن مغازلی، المناقب، ص ۳۹۰.
 ۶. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: خوارزمی، المناقب، ص ۳۹۰، پاورقی ۱ و نیز ادامه مطلب در صفحات بعدی همین نوشتار.
 ۷. سبط ابن جوزی، تذكرة الخواص، ص ۱۹۶.

۱-۱-۱-۳. وصایت امام حسن (علیه السلام) از منظر اهل سنت و خاورپژوهان

موضوع وصایت امام علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) در باب خلافت، مطلبی نیست که تنها منابع شیعه آن را نقل کرده باشند؛ بلکه برخی از منابع اهل سنت نیز آن را روایت کرده‌اند؛ از جمله ابن عبدربه اندلسی در عقد الفرید آورده که علی بن ابی طالب خلافت را به حسن سپرد.^۱ ابن ابی الحدید نیز گوید: علی (علیه السلام) در واپسین لحظات عمر خود، خلافت را به امام حسن واگذار کرد.^۲ ابن کثیر نیز گوید که علی به او وصیت کرد و مردم عراق نیز با او بیعت کردند.^۳

فرید وجدی به صراحت بر این باور است که با امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) پیش از شهادت امام علی (علیه السلام) بیعت صورت گرفت.^۴ در صورت پذیرش این سخن، بیعت معنا و مفهومی جز براساس نصّ ندارد و به نوعی بخش دوم روایت مسعودی را به طور آشکار نقض می‌کند، چون آنچه نزد اهل سنت مسلم است، این است که بیعت پس از شهادت صورت گرفته است.

اهل سنت هرچند موضوع خلافت تنصیصی را قبول نداشته‌اند، اما به معنای عدم پذیرش مشروعیت خلافت امام حسن براساس انتخاب نیست و آنچه آنان نمی‌پذیرند، موضوع نصّ بر خلافت و جانشینی است که با استناد به برخی گزارش‌ها که دانسته شد، به ردّ وصایت پرداخته‌اند. ابن العربی در این باره می‌گوید: «إن قول الرافضة إنَّ علی بن ابی طالب عهد إلی ابنه الحسن قول باطل وأنه ما عهد إلی أحد».^۵

برخی از محققان معاصر اهل سنت نیز درباره ردّ وصایت مطالبی نوشته‌اند و این تأکید، از اهمیت موضوع حکایت دارد؛^۶ چنان‌که برخی از خاورپژوهان نیز دیدگاه خود را درباره عدم مشروعیت خلافت امام حسن (علیه السلام) بیان کرده‌اند؛ به طور مثال، والیری نویسنده مدخل

۱. ابن عبدربه اندلسی، العقد الفرید، ج ۴، ص ۴۷۵.

۲. «و عهد بها إلی الحسن (علیه السلام) عند موته» (شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۵۷).

۳. «لأنَّ علیاً أوصی إلیه، و بايعه أهل العراق» (ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ج ۶، ص ۲۴۹).

۴. ابوعلّم، اهل البيت: الحسن بن علی، ص ۱۲۱.

۵. ابن العربی، العواصم من القواصم، ص ۱۹۸.

۶. مانند کتاب الغصن الندی فی سیرة الامام الحسن بن علی (رضی الله عنهما)، نوشته عبدالمؤمن ابوالعینین حفیظه؛ الحسن بن علی و عام الجماعة، اثر عبدالوهاب عبدالسلام طویل؛ الحسن بن علی بن ابی طالب شخصیت و عصره، اثر الدكتور علی محمد محمد الصلابی (این کتاب اخیر از ص ۱۵۵ تا ۱۶۵ در این باره بسیار بحث کرده است).

حسن بن علی بن ابی طالب در دائرة المعارف اسلام بیان داشته که امام حسن علیه السلام مدعی خلافت بود تا اینکه به نفع معاویه از ادعای خود صرف نظر کرد.^۱ وی در جای دیگر، انتصاب او را از سوی امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت پس از خود انکار کرده است.^۲

این بیان چنانچه به عدم خلافت رسمی امام حسن علیه السلام اشاره داشته باشد، همان طور که دانسته شد، کاملاً غلط است. روایات شیعه و برخی از اهل سنت انتصاب امام مجتبی علیه السلام را از سوی امیرالمؤمنین علیه السلام به جانشینی و خلافت پس از خود آورده اند؛ همچنین مورخان نقل کرده اند که مردم عراق، حجاز، یمن، خراسان و دیگر بلاد اسلامی با امام حسن علیه السلام به عنوان خلیفه مسلمانان پس از امام علی علیه السلام بیعت کردند.^۳

البته در نامه امام مجتبی علیه السلام به معاویه و نامه ابن عباس به امام حسن علیه السلام، موضوع انتخاب از طریق بیعت عامه نیز مطرح شده که با موضوع بیعت خاصه و نص تعارضی ندارد و امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز برای اثبات حقانیتش به معاویه، بیعت عامه را مطرح کرده است؛^۴ از این رو، در نامه امام حسن علیه السلام به معاویه آمده است: «إن علیاً -رضوان الله علیه- لما مضى لسبيله -رحمة الله علیه یوم قبض و یوم من الله علیه بالاسلام، و یوم بیعت حیا- ولآنی المسلمون الأمر بعده».^۵ در نامه ابن عباس نیز چنین آمده است: «... أما بعد، فإن المسلمین ولوک أمرهم بعد علی علیه السلام...».^۶

۱. ر.ک: وچیا والیری، مدخل حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام، تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام، زیر نظر محمود تقی زاده داوری، ص ۹۷.
۲. ر.ک: هدایت پناه، نقد و بررسی مدخل حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام، تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام، زیر نظر محمود تقی زاده داوری، ص ۹۹.
۳. ر.ک: ابن سعد، ترجمة الامام الحسن، ص ۷۴، حدیث ۱۲۹؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۱۵۸؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۱۳؛ ابن اعثم کوفی، فتوح، ج ۴، ص ۱۴۸؛ سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۱۹۶؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۲، ص ۱۸؛ صلاح الدین صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۲، ص ۱۰۹؛ الشیرازی، الاتحاف بحب الاشراف، ص ۱۰۵.
۴. «لانه با یعنی القوم الذین بايعوا ابابکر و عمر و عثمان» (نهج البلاغة، نامه ۶؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۱۱۰).
۵. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۵-۳۶. همین روایت را منابع دیگر آورده اند ر.ک: ابن اعثم، الفتوح، ج ۴، ص ۲۸۵؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۶، ص ۲۴؛ ابن طلحه شافعی، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ص ۳۵۶؛ اربلی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۱۹۲.
۶. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۶، ص ۲۳.

توفیق ابوعلم دربارهٔ خلافت امام حسن (علیه السلام) از منظر شیعه و اهل سنت بحث خوب و مفصلی دارد که به جهت اختصار و ورود در مباحث کلامی و نیز ارائه شدن برخی مستندات خلافت امام مجتبیٰ (علیه السلام) و جلوگیری از تکرار، از آن صرف نظر می‌شود.^۱

به هر حال، با توجه به روایات تنصیص، روشن است این مطلب که مردم امام را به خلافت انتخاب کردند منافاتی با وصایت ندارد، بلکه می‌تواند شاهد خوبی بر این موضوع باشد که اگر مردم چنین کردند، به خاطر وصایتی بود که از آن آگاه بودند، به خصوص که خلافت پسر از پدر، امر شناخته شده‌ای نبوده است.

یک نکته قابل توجه در این باره، مشروعیت خلافتی است که از نظر شیعه به وصایت و بیعت عامه و از نظر اهل سنت تنها به بیعت عامه مستند است. اینک باید به این حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله) توجه کرد که خلافت را سی سال و پس از آن را ملوکیت و سلطنت دانسته است و بر این اساس، اهل سنت خلفای راشدین را تا زمان امام حسن (علیه السلام) می‌دانند. حال این سؤال در برابر اهل سنت بر اساس فلسفه سیاسی آنان در باب خلافت باقی است که خلافتی که با رأی مردم (بیعت عامه) مشروعیت می‌یابد، چرا برای معاویه باید سلطنت باشد؟ مگر اینکه بپذیریم بیعت مردم با معاویه، از سر زور و ناچاری بوده و این بیعت اجباری اعتبار شرعی نداشته است؛ چنان‌که مالک بن انس دربارهٔ بیعت مردم با منصور عباسی، همین نظر را داشت و گفت: چون بیعت به زور بوده است، قسم و پیمانی وجود ندارد (لیس علی المکره یمین). به همین دلیل، مردم به قیام نفس زکیه پیوستند.^۲

۱-۱-۲. معجزات امام

معجزات و کرامات می‌تواند بخشی از دلایل امامت و مقامات و جایگاه خاص امام حسن (علیه السلام) را نشان دهد، هر چند ارائه کرامات خاص و معجزات در موارد بسیار خاصی بنا بر تشخیص امام صورت می‌گرفته است. بر اساس برخی منابع و روایات از امام حسن مجتبی معجزات و کراماتی

۱. ر.ک: ابوعلم، اهل البیت؛ الحسن بن علی، ص ۱۱۴-۱۲۱.

۲. ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۹۰؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۱۹۰؛ صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۴۴۶. نظر شافعی و اکثر فقهای اهل سنت به جز ابوحنیفه نیز دربارهٔ قسم مکره مانند مالک است (ر.ک: شافعی، الام، ج ۷، ص ۸۱؛ بیهقی، معرفة السنن و الآثار، ج ۷، ص ۳۲۶؛ نووی، المجموع، ج ۱۸، ص ۹).

ثبت شده که برخی از آنها خبر دادن از حوادث آینده است. فارغ از نقد و بررسی اسناد، به سه نمونه از معجزات اشاره می‌شود.

۱. کلینی به سند خود از امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانش روایتی از امام اسلم از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که راه شناخت وصی و امام را بیان فرموده است؛ به این‌گونه که مقداری سنگ ریزه گرفت و آنها را با انگشتش مالید تا مانند آرد کرد، آن‌گاه خمیرش نمود و با خاتمش آن را مهر کرد و فرمود: هر که این کار را انجام داد، او وصی من در زمان حیات و پس از وفاتم است. در ضمن آن آمده است که امام حسن مجتبی علیه السلام چنین کرد.^۱

۲. ابوسعید خدری می‌گوید: من حسن بن علی را در زمان کودکی دیدم که پرنده‌ای بر بالای سرش سایه گسترانده و با هم گفت‌وگو می‌کردند.^۲

۳. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: در یکی از سفرها که امام حسن علیه السلام به عمره می‌رفت، یکی از فرزندان زبیر که به امامت آن حضرت معتقد بود با آن بزرگوار همراه بود. در یکی از منازل، نزدیک آبی در زیر یک درخت خرما که از تشنگی خشک شده بود، فرود آمدند. برای امام حسن در زیر آن درخت فرشی گسترانیدند و برای آن زبیری هم فرش دیگری در مقابل امام حسن انداختند. آن مرد زبیری سر خود را بلند کرد و گفت: کاش این درخت خرمای تازه می‌داشت تا ما می‌خوردیم. امام حسن علیه السلام فرمود: آیا تو به خرما اشتها داری؟! گفت: آری. حضرت امام حسن دست مبارک خود را به سوی آسمان بلند نمود و دعایی کرد که آن مرد زبیری ملتفت نشد. آن درخت خرما سبز و دارای برگ و خرما گردید.

ساربان‌هایی که همراه ایشان بود گفت: به خدا قسم که امام حسن سحر و جادو کرد. امام حسن به وی فرمود: وای بر تو! این سحر نیست، بلکه دعای پسر پیغمبر مستجاب شد. آن‌گاه بر فراز آن درخت رفتند و از آن خرماها به قدر کفایت چیدند.^۳

۴. از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که در مسجد پیامبر، از امام حسن علیه السلام معجزه‌ای خواست تا آن را برای دیگران نقل کند. امام مجتبی علیه السلام پای خود را بر زمین زد و کشتی‌ها را در

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۴-۲۰۵.

۲. طبری شیعی، دلائل الامامه، ص ۶۵.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۲.

دریا دید. سپس از دریا ماهی صید کرد و به جابر داد. جابر آن را به پسرش محمد داد تا به خانه برد و سه روز از آن غذا تهیه کرد.^۱

۱-۱-۳. باب امام حسن (علیه السلام)

در منابع شیعی برای تمام اهل بیت (علیهم السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تا حضرت ولی عصر (علیه السلام) افرادی به عنوان باب معرفی شده‌اند. جهضمی که از محدثان کهن قرن سوم شیعی است، در کتاب «تاریخ اهل البیت (علیهم السلام)»، ذیل عنوان «ابواب النبی و الائمه (علیهم السلام)»، اسامی ابواب آنان را نام برده است و باب امام مجتبیٰ (علیه السلام) را شخصی به نام سفینه (ظاهراً نام مستعار بوده) و قیس بن عبدالرحمن معرفی کرده است.^۲ سلیمانی در پژوهش خود درباره موضوع باب‌های امامان شیعه (علیهم السلام)، از سفینه، میثم تمار و رشید هجری به عنوان باب‌های امام حسن (علیه السلام) نام برده است.^۳

توضیح مختصر مطلب درباره موضوع «ابواب امامان (علیهم السلام)» اینکه براساس دیدگاهی خاص، منصبی کلیدی با عنوان بابیت ائمه (علیهم السلام) در عصر حضور و غیبت صغرا وجود داشته و افرادی به عنوان ابواب معرفی می‌شدند.

این موضوع موافقان و مخالفانی دارد. در میان موافقان این نظریه، بهترین و جامع‌ترین تبیین نظریه باب‌ها از دیدگاه امامیه را در عصر حاضر، جواد سلیمانی در کتاب «رازداران حریم اهل بیت (علیهم السلام): پژوهشی درباره باب‌های اهل بیت (علیهم السلام)» به دست داده است. نویسنده در این کتاب با استناد به روایاتی که در منابع حدیثی و رجال شیعه وارد شده، به موضوع بابیت امامان پرداخته است. وی با اشاره به اطلاق لفظ «باب» در روایات به ائمه، به‌ویژه امام علی (علیه السلام) بیان می‌دارد که کفعمی (م. ۹۰۵ق) در کنار معرفی امام علی (علیه السلام) به عنوان باب پیامبر (صلی الله علیه و آله)، اشخاصی را باب معصومان معرفی کرده است؛ لذا اطلاق لفظ باب بر گروهی از اصحاب خاص ائمه، مفهومی همچون بابیت امام علی (علیه السلام) برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد.^۴ وی پنج ویژگی خاص را برای

۱. طبری شیعی، دلائل الامامه، ص ۶۵.

۲. جهضمی، تاریخ اهل البیت، ص ۱۵۹.

۳. سلیمانی، رازداران حریم اهل بیت (علیهم السلام): پژوهشی درباره باب‌های اهل بیت (علیهم السلام)، ص ۷۹-۸۵. پیش از این مطالب این کتاب به صورت مقاله با عنوان «پژوهشی پیرامون باب‌های اهل بیت» در مجله تاریخ در آینه پژوهش، سال ۱۳۸۱، شماره ۱ انتشار یافته بود.

۴. ر.ک: سلیمانی، رازداران حریم اهل بیت (علیهم السلام)، ص ۴۰.

باب‌ها برشمرده است که عبارت‌اند از: پیوند و ارتباط نزدیک با اهل بیت علیهم‌السلام؛ بهره‌مندی از علوم اهل بیت علیهم‌السلام؛ خرق عادت یعنی قدرت به انجام امور خارق‌العاده؛ وثاقت و رازداری؛ استقامت و ایمان کم‌نظیر.^۱ سلیمانی چهار مورد را نیز به‌عنوان کارکردهای باب‌ها نام برده است: حفظ اسرار اهل بیت؛ رتق و فتق امور مالی و اجتماعی؛ فعالیت و مبارزه علیه حکام جور؛ و مقابله با انحرافات دینی و عقیدتی.^۲

نظریه باب‌های امامان علیهم‌السلام در میان پژوهشگران تاریخ و کلام مخالفانی نیز داشته است. نعمت‌الله صفری فروشانی در نقدی که بر کتاب سلیمانی نوشته، مدعی است که این نظریه نیاز به نقد استنادی و محتوایی دارد. در مرحله نقد استنادی وی مدعی است که آموزه «باییت» از هیچ منبع و مأخذی که به یکی از امامان شیعه مربوط باشد، به دست نیامده است. در تمام منابع موجود فقط به روایاتی در کتاب الهدایة الکبری اثر حسین بن حمدان خصیبی^۳ و یک روایت در رجال کشی، دست یافتیم که نه اصل منصب باییت، بلکه باب بودن سلمان فارسی برای امام علی علیه‌السلام را مطرح می‌کند. اما بررسی‌های رجالی نشان داد که هیچ روایت صحیح‌السندی درباره اصل منصب باییت یا باییت یک تن از افرادی که به‌عنوان باب امامان علیهم‌السلام مطرح می‌شوند، وجود ندارد. بنابراین، اصل این آموزه را نمی‌توان به امامان شیعه نسبت داد.^۴

اما در مرحله نقد محتوایی باید گفت: نظریه باب‌های امامان، از لحاظ محتوایی با توجه به نظریه‌ای که سلیمانی تبیین کرده، از چه میزان اعتبار برخوردار است؟ اهمیت پرداختن به این مسئله، از آن‌روست که نظریه باییت پیامدهایی در نظام اعتقادی امامیه دارد و می‌تواند در آن تحولی ایجاد کند. صفری با دو رویکرد کلامی و تاریخی به نظریه باییت می‌پردازد و از روش‌های کلامی، تاریخی و رجالی استفاده می‌کند و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که باییت جایگاهی در اعتقادات امامیه ندارد و بررسی‌های تاریخی نیز آن را تأیید نمی‌کند.^۵

۱. ر.ک: همان، ص ۱۱۳-۱۳۱.

۲. ر.ک: سلیمانی، رازداران حریم اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۳۵-۱۴۷.

۳. برای آگاهی از نویسنده و اعتبار کتاب وی، ر.ک: صفری فروشانی، «حسین بن حمدان خصیبی و الهدایة الکبری»، مجله طلوع، ش ۱۶، ص ۱۵-۴۶.

۴. برای آگاهی بیشتر از نقد منبعی و سندی این آموزه، ر.ک: صفری فروشانی، «منصب باییت امامان در ترازوی نقد، بررسی محتوایشناسانه با توجه به کتاب رازداران حریم اهل بیت»، شیعه پژوهی، سال دوم، ش ۶، ص ۹۱-۱۲۳.

۵. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: «منصب باییت امامان در ترازوی نقد، بررسی محتوایشناسانه با توجه به کتاب رازداران حریم اهل بیت»، شیعه پژوهی، سال دوم، ش ۶، ص ۹۱-۱۲۳.

۲-۱. خلافت و اقدامات امام (علیه السلام)

۱-۲-۱. بیعت و زمان آن

تمام گروه‌های مسلمین خلافت امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) را براساس دیدگاه و مستندات خاص خود در شمار خلافت مشروع و مقبول دانسته‌اند، به جز امویان که برخلاف اجماع مسلمین، نه تنها خلافت امام حسن (علیه السلام)، بلکه خلافت امام علی (علیه السلام) را نیز برتافته و آن را نپذیرفته‌اند. گروه عثمانیه نیز تا دو سده بر همین اعتقاد بودند، اما با پذیرش «تربیع خلافت» و پس از آن با استناد به حدیث پیامبر ﷺ که فرموده است: «الخلافة ثلاثون عاما ثم یكون بعده الملك»، خلافت امام حسن (علیه السلام) را نیز قبول کرده و آن حضرت را در شمار خلفای راشدین قرار داده‌اند. اما این پذیرش از سوی شیعه و اهل سنت، از یک منظر نیست و هر گروه در دلایل پذیرش خلافت آن حضرت مبانی خود را دارند. شیعه علاوه بر مبانی کلامی و حدیثی خود و موضوع نص بر امامت، به موضوع خلافت آن حضرت با استناد به منابع تاریخی و حدیثی از منظر و رویکرد اهل سنت نیز اهتمام داشته است.

طبق نظر شیعه، امام حسن (علیه السلام) در روز ۲۱ رمضان به خلافت منصوب شد؛ یعنی همان روزی که امام علی (علیه السلام) به شهادت رسید.^۱ توفیق ابوعلم در این باره می‌گوید: جمهور مورخان بر آن‌اند که در صبح همان شبی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به شهادت رسید و دفن گردید، با امام حسن (علیه السلام) بیعت شد، ولی فرید وجدی معتقد است پیش از شهادت والدشان با ایشان بیعت شد.^۲ مسعودی زمان بیعت را دو روز پس از شهادت گفته^۳ و سبط ابن جوزی هر دو قول را آورده است.^۴ این موضوع می‌تواند ناشی از بیعت خاصه و عامه باشد و بدین سبب، دو روز ثبت شده است.

۱. شیخ مفید زمان بیعت را روز جمعه ۲۱ رمضان یعنی همان روز شهادت دانسته است (مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۷).

۲. و یجمع جمهور المورخین علی ان البیعة تمت فی صبیحة اللیلة التي واری فیها جثمان ابيه، فقد ذکر العلامة المرحوم الاستاذ محمد فرید وجدی (دائرة المعارف القرن العشرين، ج ۳، ص ۴۴۳) ان الامام الحسن رضی الله عنه قد بويع له بالخلافة قبل وفاة والده (الحسن بن علی، ص ۱۲۱).

۳. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴.

۴. سبط ابن جوزی، تذكرة الخواص، ص ۱۹۶.